

## یادگار عشق

در کنار ساحل دریا قدم میزدم به یاد تو ، موجها می آمدند به کنارم و میرفتند، اما تو نبودی!

تو نبودی اما یادت در قلبم بود ، تو نبودی اما به یاد تو در کنار دریا قدم میزدم...

لحظه باریدن باران ، تنهای تنها در زیر قطره های باران قدم میزدم اما تو نبودی!

تو نبودی ولی باران بود ، باران یاد تو را در دلم زنده کرد!

شاید این یک آغاز بود ، آغاز دلتنگی ها ، شروع آرزوهای در کنار تو بودن!

لحظه غروب که رسید یاد تو در دلم غوغا به پا کرد و چشمهایم به یاد تو بارانی شد!

کاش در کنارم بودی ، آن اشکها را تنها تو میتوانستی از روی گونه هایم پاک کنی!

آن دستهای سرد را تنها تو میتوانستی با دستهای گرمت گرم کنی!

لحظه های دور از تو بودن میگذرد اما خیلی دیر....

لحظه ها میگذرد و سهم دلم از آن دلتنگیست!

از دلتنگی تو چند قطره اشک و یک دل پر از درد دل به جا می ماند!

همین که به عشق تو زنده ام برای من یک دنیا با ارزش است!

این اشکهایم ، دلتنگی هایم ، غصه هایم فدای آن عشق پاکت!

عشق تو آنقدر مقدس است که به خاطر آن جانم نیز فدایش خواهم کرد!

هر جا که بدون تو باشم شکی نیست در آن که یک دلتنگم!

هر جا که باشیم ، با هم و در کنار هم مطمئن باش که خیلی خوشبختم!

ساحل دریا یادگاری بود از دلتنگی هایم ، لحظه باریدن باران خاطره ای بود از عشقم و

غروب که رسید یادگاری از چشمهای خیسم به جا ماند!

تو باشی همه چیز زیباست، دیگر دلتنگی در دلم نیست ، تو هستی و یک دنیا خوشبختی!

تو را با تمام غم ها و غصه های دنیا ، دلتنگی ها و اشکهایم میخواهم عزیزم!